

احوال شخصی

تولد

احوال شخصی

ازدواج

در رساله سؤال و جواب نازل قوله الاعلی:

سؤال: معلق بودن امر تزویج به رضایت ابوین از طرف مرد و زن هر دو لازم یا از یک طرف کافی است و در باکره و غیره یکسان است یا نه؟
جواب: تزویج معلق است به رضایت پدر و مادر مرء و مرثه و در باکره و دون آن فرقی نه.

شرایطی که رضایت والدین برای ازدواج لازم نیست

بیت العدل اعظم در دستخط مورخ ۳۰ می ۱۹۷۱ خطاب به محفل روحانی ملی آلاسکا می فرمایند:

«در جواب مکتوب شما در خصوص مشکل ... که نمی تواند محل زندگی پدر اصلی نامزدش را بیابد خوشحالیم که هدایت ذیل را به شما ابراز داریم:

تنها شرایطی که در آن، رضایت والدین برای ازدواج امری لازم نیست موارد زیرند:

۱- اگر والد (یا والده) وفات یافته باشد.

۲- اگر والد (یا والده) به آن درجه غیبت اختیار کرده باشد که بتوان قانوناً او را مرده تلقی کرد.

۳- اگر مسلم شده باشد که والد (والده) دارای اختلال دماغی و بنا بر این قانوناً فاقد صلاحیت ابراز رضایت باشد.

۴- اگر والد (والده) ناقض میثاق باشد.

۵- در موارد بسیار نادر تحت احکام امری ممکن است شرایط سلب حق پدری وجود داشته باشد.

این گونه موارد، جمعاً باید به بیت العدل اعظم ارجاع گردد.»

توضیح:

(۱) در موردی که یکی از والدین وفات یافته باشد و خادمین اطمینان واثق نداشته باشند مطالبه مدرک رسمی کنند و در چهار مورد دیگر اتخاذ تصمیم نهایی را موکول به

مشورت با یاران ایران نمایند.

۲) در مورد والد یا والده مفقودالائثر در دستخط ۳۰ نوامبر ۱۹۶۹ معهد اعلی خطاب به محفل ملی ایران چنین مرقوم است:

«... اما در مواردی که والدین مفقودالائثر باشند باید به جمیع قواسمی در یافتن آنها کرد و در صورتی که جمیع مساعی ممکنه مشروعه جهت یافتن آنان منجر به نتیجه مطلوب نگشت و این فقدان از لحاظ حقوقی قطعی و محرز و قانون شخص مفقود را بمنزله متوفی تلقی نماید آن وقت تحصیل رضایت جهت عقد بهایی لازم نیست.»

رضایت والدین چه مؤمن و چه غیر مؤمن شرط لازم عقد بهایی است معهد اعلی در دستخط ۳۰ نوامبر ۱۹۶۹ خطاب به محفل ملی ایران می فرماید:

«... چنانکه مستحضرند تحصیل رضایت ابویین شرط لازم انعقاد عقد بهایی است و حتی اگر یکی از والدین غیر مؤمن به واسطه تعضبات جاهلانه از دادن رضایت جهت ازدواج فرزند بهایی خویش استنکاف ورزند محافل روحانیه البته نمی توانند به عقد بهایی پردازند یعنی عدم صدور رضایت به علت تعصب سلب شرط لازم عقد بهایی را نمی نماید...»

رضایت نامه ازدواج بدون نام همسر آینده

معهد اعلی در دستخط ۴ آوریل ۱۹۷۲ خطاب به محفل ملی ایران می فرماید:

«... قبول رضایت نامه والدین جهت ازدواج فرزندان بهایی اگر بدون نام همسر آینده باشد بلامانع و اجراء عقد بهایی با چنین رضایتنامه ای جایز است.»

رضایت ازدواج برای فرزندخوانده

در مواردی که فرزندی را افرادی غیر از والدین حقیقی بزرگ می کنند، باید دانست که در موقع ازدواج رضایت والدین حقیقی باید کسب گردد. و در مورد رضایت والدین صوری معهد اعلی به شکل زیر هدایت می فرماید:

«... رضایت والدین حقیقی در امر ازدواج مخصوص است مگر آنکه رسماً و قانوناً نسبت فرزندی سلب شده باشد. کسب رضایت والدین صوری صرفاً از لحاظ محبت و احترام پسندیده است ولی شرط صحت ازدواج محسوب نمی شود.»

رضایت والدین غایب در جلسه عقد

اگر یکی از والدین به هر دلیل نتواند در جلسه عقد حاضر شود باید رضایتنامه کتبی که به تأیید خادمین محل رسیده باشد به پیوست مدارک لازم برای عقد ارائه دهند. و اگر یکی از والدین مسلمان بوده و در جلسه عقد حاضر نباشد رضایتنامه محضری و یا لااقل رضایت کتبی که در حضور یکی از معتمدین جامعه نوشته و امضاء شده باشد باید ارائه دهند.

اقتران با اغیار

در رساله سؤال و جواب نازل قوله الاعظم:

سؤال: قران با مشرکین جایز است یا نه؟

جواب: اخذ و عطا هر دو جایز.

حضرت ولی عزیز امرالله در ابلاغیه موزخ ۱۸ ژانویه ۱۹۴۳ می فرمایند:

«اقتران با اغیار معلق و مشروط به اجرای کتاب است از طرف شخص بهایی و الا

اقتران بهایی با غیر بهایی جایز نه.»

در ازدواج با غیر بهایی موارد زیر مورد توجه قرار گیرد

۱ - خادمین موظفند خانواده بهایی را دقیقاً از مقررات و قوانین ازدواج با غیر بهایی مطلع نمایند و ایشان را تشویق کنند تا ضرورت رعایت دقیق این مقررات را به خانواده طرف غیر بهایی متذکر شوند.

۲ - اجرای مراسم عقد مطابق مراسم مذهبی طرف غیر بهایی بلامانع است بشرط اینکه رعایت دقیق شؤون بهایی در مراسم و در عقدنامه غیر بهایی بشود و مثلاً اگر در دفاتر

از دواج اسلامی این عقد ثبت می شود نباید ذکر کلمه مسلمان برای زوجه یا زوج بهایی بشود و نباید مهریه از حدود مقرر در کتاب تجاوز نماید و برای ازدواج شرایط دیگری برخلاف شرایط تعیین شده در کتاب در نظر گرفته شود.

۳ - عقد بهایی و غیر بهایی باید در یک روز و حتماً قبل از زفاف انجام شود، به این ترتیب که اول عقد غیر امری انجام می شود و بعد عقد بهایی لذا باید خادمین مراقبت نمایند که در عقد غیر امری کلیه موازین رعایت شده باشد در غیر این صورت تا رفع مشکل از انجام عقد امری خودداری نمایند.

۴ - قبل از انجام عقد غیر امری که به اعتبار طرف غیر بهایی انجام می شود باید امکانات جاری شدن و ثبت عقد را لحاظ کردن شوون امری فراهم آید به عنوان مثال به دفتری برای ازدواج غیر امری مراجعه شود که موازین امری را رعایت نماید مثلاً دین طرف بهایی را قید کند و یا در محل دین چیزی ننویسد.

۵ - اگر در روز عقد دسترسی به دفترچه ممکن نباشد خادمین باید حتماً بعد از صدور دفترچه عقد آن را ملاحظه کنند و چنانچه امری برخلاف موازین امری در آن ثبت شده باشد طرف بهایی مکلف به تغییر و تصحیح آن است و الاً تنبیهات معموله در مورد او اعمال می گردد.

بیت العدل اعظم در ضمن دستخطهای زیر در خصوص ازدواج با اغیار خطاب به محفل ملی ایران چنین هدایت می فرمایند:

دستخط ۴ می ۱۹۶۵

«اگر طرفین ازدواج بهایی باشند و به علت ازدواج اسلامی طرد شده باشند رجوعشان به جامعه مشروط به اجرای مراسم طلاق طبق مراسم اسلامی و سپس اجرای مراسم بهایی است.

اگر یک طرف بهایی باشد و در حین ازدواج اسلامی خود را مسلمان معرفی نموده و به این سبب طرد اداری شده باشد رجوعش به جامعه مشروط به اجرای مراسم طلاق طبق مراسم اسلامی و سپس اجرای مراسم بهایی است.

اگر یک طرف بهایی باشد و در حین ازدواج اسلامی تصریح کرده باشد که بهایی است ولی به واسطه عدم اجرای مراسم امری از جامعه طرد شده باشد رجوعش به جامعه فقط مشروط به اجرای مراسم امری است.

در جمیع این موارد قبول در جامعه مشروط به ندامت حقیقی و تقاضای رجوع و حصول رضایت، ابویین و رعایت شئائر و حدود بهایی است.»

دستخط ۲۱ ژانویه ۱۹۷۱

«... آنچه در ازدواج بهایی با غیر بهایی اهمیت دارد آن است که شخص بهایی به بهائیت خویش تصریح نماید و بر کلّ دیانت او معلوم باشد و عقد بهایی نیز صورت گیرد. با وجود این شروط اساسی اهداء قرآن مجید به شخص بهایی و ذکر آن در عقدا نامه اسلامی مخالف اصول امریه نیست.»

دستخط ۱۷ اکتبر ۱۹۷۱

«... آن محفل و افراد جامعه باید بدانند که عقد بهایی البته باید در همان روزی که عقد غیر امری و یا مدنی صورت می‌گیرد قبل از زفاف جاری گردد زیرا جهت شخص بهایی از دواج مشروع نبوده و نیست مگر آنکه واجبات و احکام عقد بهایی صورت پذیرد...»

نامزدی

تاریخ حصول رضایت طرفین و والدین که در ضمن خواستگاری انجام می‌شود زمان شروع نامزدی نیست بلکه شروع ۹۵ روز مهلت از زمانی است که نامزدی رسماً اعلام گردد یعنی پس از حصول رضایت طرفین و والدین. نزدیکان هر یک از تنز این واقعه رسماً مطلع گردند.

از دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به یکی از یاران چنین مرقوم است (۵ آگست ۱۹۹۱)

«... در خصوص سؤالات شما در باره ازدواج شما با نامزدتان باید متذکر گردیم مادام که نامزدی شما رسماً اعلان نشده باشد قانون مهلت ۹۵ روز برای ازدواج معمول

نمی‌گردد و در مورد شما وارد نیست. این مدت از هنگامی آغاز می‌گردد که شما ۱
نامزدی خود را رسماً اعلان نمایید.»

معهد اعلی در دستخط ۲۹ جون ۱۹۷۱ خطاب به محفل ملی ایران می‌فرماید:
«... اصولاً به نص صریح حضرت مولی‌الوری دوره نامزدی باید وقتی جاری شود
که «اقتران زوج و زوجه مقرر گردد» و «اقتران قطعی» شده باشد لهذا فسخ نامزدی
هر چند ممکن ولی باید نادر الوقوع باشد و محافل روحانیه در مواردی که عذری موجه
تجهت فسخ و یا تمدید مدت مقرر نامزدی در میان است باید راهنما و مساعد یاران در
رفع مشکلات و تسهیل اجرای حکم کتاب باشند ولی اگر فسخ و تجدید دوره نامزدی یا
تقاضای تمدید مدت منصوصه به تشخیص محفل روحانی متعمداً به نیت فرار از اجراء
حکم کتاب بود آن وقت محفل مقدس روحانی ملی باید در هر مورد دقت نموده حکمی
را که لازم دانند مجری دارند به نص صریح حضرت عبدالبهاء دوران نامزدی «اگر از نود
و پنج روز بگذرد حرام است و عصیان امر پروردگار ولی عقد باطل نگردد.»»

ورقه نامزدی

خانواده‌ها مکلف اند که بلافاصله پس از اعلام رسمی نامزدی خادمین را مطلع
نمایند تا ورقه نامزدی که از جمله مدارک لازم برای اجرای عقد است تنظیم و به امضاء
برسد. معمولاً احباء برای پر کردن ورقه نامزدی به روشهای مختلف عمل می‌کنند بعضاً
مراسم کوچکی با حضور خانواده‌ها برپا کرده پس از تلاوت آیات الهی این ورقه در
حضور نماینده خادمین به امضاء می‌رسد. و گاهی در جشن نامزدی این کار را انجام
می‌دهند و در مواقعی نیز با حضور در جمع خادمین این کار انجام می‌شود. به هر حال
مهم تنظیم و امضاء ورقه نامزدی است.
باید توجه داشت که زمان شروع نامزدی، زمان تنظیم و امضاء این ورقه نیست بلکه
همان است که در بالا متذکر شدیم.

قرار محفل مقدس ملی بهائیان ایران مورخ ۱۷/۱۰/۵۱ که همچنان به اعتبار خود باقی است:

«... معاینه بالینی دختر و پسر و آزمایش خون از نظر بیماری مُسری ضروری است. بدیهی است چنانچه پس از آزمایش نتیجه خون مثبت باشد در این صورت تا معالجه کامل و منفی شدن نتیجه آزمایش عقد اقتران جایز نیست ولی در مورد عیوب جسمانی مانند بیماریهای گوارشی یا قلبی چنانچه طرف دیگر پس از اطلاع از بیماری موافقت به ازدواج نمود وقوع عقد بلامانع خواهد بود. همچنین اگر طرفین ازدواج جهت آزمایش گروه‌بندی خون از لحاظ Rh خون و یا آزمایش نطفه مراجعه نمایند و در نتیجه معلوم شود که خون آنها از نظر توالد و تناسل تطابق ندارد و یا نطفه مفقود است بنا متوجه ساختن طرف به مشکلاتی که در آینده فراهم می‌شود باز در صورت موافقت طرف دیگر عقد اقتران امکان پذیر خواهد بود.»

قابل ذکر است که یاران ایران علاوه بر موارد فوق انجام آزمایش تالاسمی را نیز قویاً توصیه می‌نمایند.

نتیجه آزمایشات پس از ملاحظه و تأیید پزشک معتمد و اعلام آمادگی لازم از نظر سلامت جسمانی برای ازدواج به ضمیمه سایر مدارک تحویل خادمین می‌گردد.

معرفینامه

۱ - چنانچه یکی از طرفین در شهر دیگری ساکن باشند، ثبت نامزدی موط به وصول معرفینامه از دواج است. این معرفینامه نشان می‌دهد که مشکل اداری بر سر راه ازدواج این فرد وجود ندارد.

۲ - بعضی والدین حصول رضایت زوجه به نتایج آزمایش پزشکی یا وصول معرفینامه موکول می‌نمایند که البته بلاشکال است زیرا هنوز رضایت حاصل نشده و طبیعتاً در این ایام اعلان نامزدی نیز نباید بشود.

۳ - در موردی که نامزدی در شهر محل سکونت زوجه و عقد و عروسی در محل

سکونت زوج قرار است انجام شود خادمین باید مراقبت نمایند که در اسرع وقت مدارک لازم به شهری که عقد باد در آنجا تقریر یابد ارسال گردد بطوری که قبل از تاریخ تعیین شده برای عقد در اختیار خادمین آن مرکز قرار گیرد. این اقدام بلافاصله بعد از پُر کردن ورقه نامزدی و تعیین محل انجام عقد توسط خانواده‌ها، می‌تواند صورت گیرد.

ثبت ازدواج در دفاتر اسلامی

حضرت ولی عزیز امرالله در توفیق منبع موزخ اول دسامبر ۱۹۳۳ می‌فرمایند: «راجع به قبالة ازدواج، عموم مؤمنین را در مرکز و ولایات تحذیر نمایند احدی خود را مسلمان، مسیحی، کلیمی و یازردشتی معرفی ننماید. مسامحه و مساهله در این مورد تیزی از امرالله است.»

معهد اعلی در دستخط ۱۳ سبتمبر ۱۹۶۶ خطاب به محفل ملی ایران می‌فرمایند: «ثبت ازدواج یاران در دفاتر اسناد رسمی اسلامی ولو بدون ذکر دیانت باشد جایز نه زیرا معنا از دواج اسلامی محسوب گردد. لهذا باید احبای عزیز از این عمل اجتناب نمایند. بدیهی است اگر یکی از طرفین مسلمان باشد و مراسم ازدواج بهایی و اسلامی هر دو لازم گردد ثبت ازدواج اسلامی در دفاتر اسناد رسمی مذکور بلامانع است بشرط آنکه طرف بهایی صراحتاً خود را بهایی معرفی نماید و ثبت ازدواج به اعتبار طرف مسلمان باشد لاغیر...»

اقرارنامه

برای رسمیت دادن به ازدواج بهایی به وسیله تنظیم اقرارنامه در دفاتر اسناد رسمی که جنبه عرفی دارد نه دینی (برخلاف دفاتر ازدواج که جنبه دینی دارد) از لحاظ امری مانعی ندارد آنهم باز مشروط بر این است که در اقرارنامه مطلبی خلاف احکام الهی قید نشود.

دوستان از میزان مهریه بخوبی مطلعند و علاوه بر آن آنچه باید مزرد توجه قرار گیرد این است که:

- ۱ - خادمین همواره در تعیین قیمت طلا و نقره بر اساس واحد بهایی باید ناظر به رقم اعلام شده از طرف جامعه باشند.
- ۲ - عروس و داماد باید قبلاً در مورد مهریه توافق کرده نتیجه را به اطلاع جامعه برسانند.
- ۳ - مهریه باید در جلسه عقد و در حضور شهود از طرف زوج به زوج تسلیم شود.
- ۴ - مهریه می تواند به صورت معادل ریالی یا همان میزان نقره یا طلا به صورت مدال یا گردنبند و غیره تقدیم شود.
- ۵ - بخشش و هبه مالی از طرف زوج به زوج یا بالعکس بدون مطالبه طرف دیگر و بدون اجبار و بدون اینکه بخشش و هبه مالی را شرط ازدواج قرار دهند مانعی ندارد ولی چنانچه عقد ازدواج را مشروط و منوط به هبه مالی زاید بر میزان مهریه امری کنند این عمل خلاف موازین امری می باشد و جایز نیست.
- ۶ - در مورد ازدواج بهایی با غیر بهایی چنانچه در نتیجه غفلت یا عدم آشنایی طرف بهایی به حکم الله میزان مهریه در عقدنامه غیر امری زاید بر میزان مهریه امری قید شده باشد زوجین مکلف اند به همان دفتری که عقد را جاری کرده مراجعه و نسبت به تصحیح عقدنامه اقدام نمایند.

عقد و زفاف

خادمین یا هیأت مسؤول در مورد اجرای مراسم عقد موارد زیر را مورد توجه قرار دهند:

- ۱ - رعایت دقیق ۹۵ روز مهلت نامزدی
- ۲ - جمع آوری و ملاحظه مجموعه مدارک لازم، مثل ورقه نامزدی، معرفینامه، رضایتنامه، آزمایشات پزشکی و غیره

۳- تعیین عاقد و حتی برای وقایع غیر قابل پیش بینی عاقد رزرو. بعضاً خانواده‌ها و یا زوجین علاقه‌مند هستند که فرد خاصی مراسم عقد را اجراء کند. شایسته است خادمین از این امر مطلع باشند و هماهنگی‌های لازم را با فرد مورد نظر بنمایند و در هر حال حضور نماینده جامعه در جلسه عقد ضروری است، خواه آن نماینده عاقد باشد و یا عاقد نباشد.

۳- دفترچه و ورقه عقدنامه قبل از جلسه تنظیم و خوش نویسی شود. این اقدام فرصتی است که:

اولاً: با مراجعه به مدارک هویت طرفین و والدین بدقت ثبت شود.
ثانیاً: چنانچه لازم آمد دفترچه به مراجع قانونی ارائه شود خط خوش دفترچه نیز نشانه شایستگی‌های جامعه باشد.

۴- جلسه عقد طبق دستورالعمل و در کمال روحانیت برگزار شود.

۵- از قبول تبرعات به صندوق امر در جلسه عقد خودداری شود.

۶- مراسم عکسبرداری و فیلمبرداری طوری صورت گیرد که جو روحانی جلسه را تحت الشعاع قرار ندهد.

۷- شهودی که ورقه عقد را امضاء می‌کنند حداقل ۲ نفر و حداکثر ۹ نفر کافی است.

زفاف

معهد اعلی در دستخط ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ خطاب به یاران ایران می‌فرماید:

«تحقق زفاف در ازدواج همان طور که به نحوی شایسته و دقیق مذکور داشته‌اید امری کاملاً خصوصی در بین زوجین بوده و از حدود رسیدگی و بررسی دیگران بیرون است. اگرچه تحقق زفاف معمولاً به مفهوم برقراری رابطه جنسی بین طرفین است و به موجب احکام بهایی مقتضی چنان است که در ظرف بیست و چهار ساعت پس از عقد نکاح تحقق یابد. اما چنانچه در این فاصله زوجین زندگانی مشترک خود را به نیت تأسیس عائله آغاز نمایند اجرای حکم زفاف انجام شده تلقی می‌گردد.»

احوال شخصی

فوت

۱ - در کتاب مستطاب اقدس نازل عز قولہ: «حزم علیکم نقل المیت ازید من مسافة ساعة من المدينة ادفنوه بالروح و الزیحان فی مکان قریب» (آیه ۳۰۳)

مدلول آیه مبارکہ این است: حرام شدہ بر شما نقل مردہ از شہر بہ محل دفن مسافت زیادتر از یک ساعت. او را دفن کنید در نزدیکترین محل باروح و زیحان.

۲ - در رسالہ سؤال و جواب نازل عز بیانہ: «... مقصد مدت یک ساعت است دیگر بہ ہر نحو باشد ولکن ہر چہ زودتر دفن شود احب و اولی است»

۳ - در کتاب مستطاب اقدس نازل: «قد حکم اللہ دفن الاموات فی البلور او الاحجار الممتنعہ او الاخشاب الصلبة اللطیفہ و وضع خواتیم المنقوشہ فی اصابعہم انہ لہو المقدر العلیم»

مدلول فارسی آیه مبارکہ این است: امر کردہ است خداوند دفن اموات را در تابوت بلور یا سنگہای محکم یا چوبہای سخت و لطیف و گذاشتن انگشت در انگشت او. همانا او است مقتدر و دانا.

۴ - راجع بہ آیہ ای کہ در: نگین انگشت نوشته شود در کتاب مستطاب اقدس نازل قولہ عز بیانہ: «قد بدئت من اللہ و رجعت الیہ منقطعاً عما سواہ و متمسکاً باسمہ الرحمن الرحیم»

۵ - در رسالہ سؤال و جواب نازل:
«سؤال: وضع خاتم کہ در کتاب اقدس نازل شدہ مخصوص کیار است یا صیغار ہم داخل اند؟»

جواب: مخصوص کیار است و همچنین صلوات میت آنہم مخصوص کیار است.

۶ - در رسالہ سؤال و جواب نازل:
«سؤال از وقت نماز میت قبل از دفن و یا بعد از آن و توجہ بہ قبلہ لازم است یا نہ؟»

جواب: ادای صلوات قبل از دفن و اما القبلة اینما تولوا فثم وجه اللہ»

۷ - در کتاب مستطاب اقدس نازل: «لاتجز عوافی المصائب و لاتفر حوا ابتغوا امرأ بین الامرین هو التذکر فی تلك الحالة و التنبه علی ما یرد علیکم فی العاقبة كذلك ینبئکم العلیم الخبیر»

مدلول آیه مبارکه این است: در مصیبتها جزع و فزع و شادمانی نکنید بلکه حالتی بین این دو امر اتخاذ کنید و آن عبارت از حالت تذکر و تنبه است بر اینکه در آخر حیات دنیا چه بر شما خواهد گذشت. خداوند آگاه و خبیر به شما اینطور خبر می دهد.

۸ - افراد طرد اداری را می توان در گلستان جاوید دفن کرد.

۹ - افراد متمیزی را چنانچه خادمین مصلحت بدانند و خانواده بخواهند می توان در گلستان جاوید دفن کرد.

مطابق مدلول آیات مذکوره فوق و آیات و الواح مقدسه ديگر مندرج در کتاب اقدس و کتاب گنجینه حدود و احکام و مجموعه های الواح مقدسه در موقع صعود یکی از احباء باید بشرح ذیل اقدام شود:

۱ - همینکه نفسی فوت نمود و صعود کرد واجب است در دفن او تسریع شود و مدت حمل میت تا محل دفن نباید زیادتر از یک ساعت طول بکشد.

۲ - پس از شستن میت با آب تمیز و بکر و کفن کردن او را باید در صندوق محکم از جنس بلور یا سنگ یا چوبی که محکم و سخت باشد بگذارند و انگشتری در انگشت میت می کنند که در نگین آن آیه مبارکه حکم شده باشد:

«قد بدنت من الله و رجعت اليه منقطعاً عما سوايه و متمسكاً باسمه الرحمن الرحيم»

در رساله سؤال و جواب نازل: «سؤال در باب کفن میت به پنج ثوب امر شده آیا مقصود از این پنج، پنج پارچه است که در قبل معمول می شد و یا آنکه مراد سرتاسر جوف هم است؟ جواب - مقصود پنج پارچه است.»

۳ - پس از انجام غسل و کفن و گذاشتن در صندوق و قبل از دفن باید نماز میت بشرح ذیل خوانده شود:

ذکر الله ابهی بدین صورت است که یک تکبیر الله ابهی گفته می شود بعد یکی از اذکار ششگانه (انا کل لله عابدون - انا کل لله ساجدون - انا کل لله قانتون - انا کل لله ذاکرون - انا کل لله شاکرون - انا کل لله صابرون). به همین منوال تا آخر برای هر یک از جملات ششگانه یک تکبیر الله ابهی ذکر می گردد. و اگر در میان جمعیت کسی نباشد که اذکار ششگانه را بداند همان گفتن شش مرتبه الله ابهی کافی است.

در صورتی که میان جمعیت یا سواد موجود باشد قبیل از شروع به تلاوت تکبیرات الله ابهی و اذکار ششگانه مناجات مخصوصی که از قلم جناب قدم جل جلاله نازل شده است خوانده می شود. و در صورت نبودن شخص یا سواد تلاوت مناجات مزبور عفو شده

است.

۴ - در خواندن نماز میت رو به قبله ایستادن جزء واجبات نیست.

۵ - تهیه انگشتری و خواندن نماز میت برای متصاعدین بالغ واجب است و اگر میت بداخته بلوغ نرسیده باشد تهیه انگشتر و خواندن نماز جزء واجبات نیست.

۶ - تشییع جنازه حتی الامکان باید با تجلیل باشد.

۷ - انعقاد محافل تذکر بیاد متصاعدین الی الله جایز و خوب است ولی طبق دستور مبارک حضرت ولی امر الله گرفتن هفته و چهلم لازم نیست.

۸ - جزع و بیتابی و یا سرور و شادمانی در مصائب جایز نیست و نهی شده است بلکه با تلاوت آیات و مناجات حالت تنبه و بیداری حاصل کنند و بدانند که این جهان فانی پایدار نیست سراب است نه آب.

۹ - شد رحال جایز نیست. شد رحال عبارت از مسافرت از کشوری به کشور دیگر برای زیارت اهل قبور است (والأهر مرقد منوری از شهداء و غیر شهداء از احباء در هر مملکتی هست باید نهایت احترام را مجری داشت و زیارتش سبب روحانیت و نورانیت می گردد.)

صورت مناجاتی که در نماز میت قبل از تکبیرات خوانده می شود اگر میت مرد باشد چنین تلاوت می شود:

«یا الهی هذا عبدک و ابن عبدک الذی آمن بک و بایاتک و توجه الیک منقطعاً عن سوائک انک انت ارحم الراحمین اسئلک یا غفار الذنوب و ستار العیوب بان تعمل به ما ینبغی بسماء جودک و بحر افضالک و تدخله فی جوار رحمتک الکبری الّتی سبقت الارض و السماء لا اله الا انت الغفور الکریم»
و اگر میت زن باشد چنین تلاوت می شود:

«یا الهی هذه امّتک و ابنة امّتک الّتی آمنت بک و بایاتک و توجهت الیک منقطعاً عن سوائک انک انت ارحم الراحمین اسئلک یا غفار الذنوب و ستار العیوب بان تعمل بها ما ینبغی بسماء جودک و بحر افضالک و تدخلها فی جوار رحمتک الکبری الّتی سبقت الارض و السماء لا اله الا انت الغفور الرحیم»

در دست‌خط منیخ موزخه ۱۳ شهر الکلمات ۱۲۱ بدیع مطابق ۲۴ جولای ۱۹۶۴
خطاب به محفل مقدس روحانی ملی ایران چنین مرقوم فرموده‌اند:
«در جواب سؤال محفل روحانی نیریز مرقوم می‌گردد که دفن اموات در صندوق
سیمانی جایز و بلا مانع است.
با تقدیم تحیات بهایی
بیت، العدل اعظم»

۶ شهر العلاء ۱۲۷ - ۷ مارچ ۱۹۷۱

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه
مکتوب موزخ ۹ شهر الملک ۱۲۷ واصل شد. در جواب سؤال محفل مقدس
روحانی طهران مرقوم می‌گردد که ذکر اسماء یاران در ذیل اعلانات روزنامه مربوط به
وفات منسوبان غیر بهایی جایز است بشرط آنکه مطالبی که مخالف اصول امری و مبانی
ایمانی شخص بهایی باشد در اعلان مندرج نباشد و همچنین شرکت شخص بهایی در
مجالس عزاداری و مراسم ختم منسوبان و دوستان غیر بهایی ولو این مجالس در مساجد
منعقد شود دلیل بر انکار نیست لهذا بلا مانع است.

با تقدیم تحیات بهینه
بیت العدل اعظم

سقط جنین

۷ شهر السلطان ۱۲۸ - ۲۵ ژانویه ۱۹۷۲

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه
مکتوب موزخ ۷ شهر الشرف شماره ۸۱۰۲ آن محفل واصل شد. اصولاً استنباط آن
محفل صحیح و صواب است و سقط جنین جهت محدودیت موالید به نص صریح
توقیعات مبارکه به لسان انگلیسی قطعاً مذموم و نهیث ثابت زیر ارواح انسانی در حین
تکوین در جنین موجود.

اما اینکه در حین ضرورت یعنی وقتی که اطباء اقدام به سقط جنین را وجداناً واجب بینند چه حکمی دارد این هیأت هنوز قوانین در این باب تشریح ننموده و تصمیم در این موارد فوق العاده با خود افراد ذی‌مدخل و طبیب است که به حکم وجدان و با ملحوظ داشتن حرمت قطعی سقط جنین جهت تحدید موالید تصمیم بگیرند.

آنچه اطباء بهایی و مؤسسات طبّی منسوب به احباء باید مواظبت نمایند این است که برخلاف دستورات مبارک که ابداً قدمی بردارند و نیز آراء شخصیت خود را در اموری از این قبیل که مابه‌الاحتیاج است ابراز ندارند و جز در مواردی که راجع به موضوع بتوانند از نصوص مبارک استشهاد نمایند چیزی در کتب و جرائد ننویسند زیرا استنباط غلط ایشان ممکن است سوء تعبیر شود و در نظر عامه از تعالیم مبارک در موضوع معینه محسوب گردد. آن محفل باید در جمیع این قبیل موارد افراد بهایی را بدون ادنی ملاحظه‌ای متذکر دارند ...

با تقدیم تحیات بهیه - بیت العدل اعظم

۱ - متحد المال شماره ۷۷/۴
۱۷۳۶

تاریخ ۷ شهر العلاء ۱۲۴ بدیع
مطابق ۱۳۴۶/۱۲/۱۷

محفل مقدس روحانی شیدالله ارکانه

نظر به اینکه بندرت ملاحظه گردیده که بعضی از احبای عزیز الهی جنابز متصاعدین الی الله منسوب به خودشان را از باره‌ای نقاط به وسیله طیاره به مرکز حمل می‌نمایند و اکثراً طول مدت حمل و نقل از محل وقوع فوت تا گلستان جاوید از یک ساعت در راه می‌ماند و ما بار دیگر حرمت این اقدام را که بموجب نص صریح کتاب مستطاب اقدس نهی اکید گردیده است متذکر می‌گردیم قوله جل سلطانہ: «حرّم علیکم نقل المیت ازید من مسافه ساعه من المدینة ادفنوه بالروح والریحان فی مکان قریب» (آیه ۳۰۳) و در رساله سؤال و جواب می‌فرمایند، عز بیانہ: «... مقصد مدت یک ساعت است دیگر به هر نحو باشد و لکن هر چه زودتر دفن شود احب ز اولی است...» بنا بر این خواهشمند است آن محفل مقدس کاملاً این مسأله دقیقہ را در نظر داشته باشند و چنانچه فردی از افراد احباء بخواهد ای نحو کان به چنین اقدامی مبادرت نماید او را متذکر سازند کسر حدود به هیچ وجه من الوجوه جایز نیست. از این اقدام بازدارند و به وظایف روحانیه خویش آگاه سازند.

با تقدیم تحیات روحانیه - منشی محفل

تاریخ ۱۷ شهر القول ۱۲۶

مطابق ۱۳۴۸/۹/۱۸

۲ - متحد المال شماره ۱۱۶۶۴

محافل مقدسه روحانیه شیدالله ارکانه

همان طور که در کتاب مستطاب اقدس و سایر الواح مبارکه مصرح است در تشییع جنازه باید رعایت کمال اعزاز و احترام بعمل آید و احباء این امر را وظیفه وجدانی خویش شمرند به نحوی که با حضور خود موجبات تسکین و تسلیت منسوبین و بستگان را فراهم آورند زیرا اصل وحدت و یگانگی و اتحاد و اتفاق مصرح در الواح و

آثار مبارک که پننین محکم می نمایند که اشل بهاء باید در شادی و غم یکدیگر شریک و سهیم باشند و مانند انگشتان در دست و ارکان در بدن پیوستگی و تعلق آن ظاهر و مشهود گردد.

مستدعی است در مواردی که نفوسی از ناشرین نفعات الله و یا خادمان ممتاز امرالله صعود می فرمایند بلافاصله این محفل را از صعود آن عزیزان مستحضر سازند تا این محفل نیز بنوبه خود بتواند مراتب تعزیت و تسلیت خویش را حضور بازماندگان کتباً و یا شفاهاً معروض دارد.

با تقدیم تحیات بهایی - منشی محفل
تاریخ ۷ شهرالنور ۱۲۷
نمره ۲۳۲۲ - ۳
مطابق ۱۳۴۹/۳/۲۱

محفل مقدس روحانی شیدالله ارکانه

بطوری که احبای عزیز الهی مستحضرند شرکت در محافل تذکر از طرفی نشانه و نمونه روح الفت و محبت بین یاران الهی است و از طرف دیگر موجب تسلیت و تعزیت قلوب متالم بازماندگان و منسویین متعارجین الی الله است. یقیناً حضور در این جلسات را یاران عزیز مهم تلقی فرموده و با این اقدام خود مراتب علاقه و محبت خویش را به هر یک از اعضاء جامعه که به فرموده مبارک باید مانند اصابع در ید باشند ثابت و مدلل خواهند فرمود.

با تقدیم تحیات بهایی - منشی محفل

تاریخ ۱۰ شهرالرحمة ۱۲۹
نمره ۸/۱۲/۴۲ - ۴
مطابق ۱۳۵۱/۴/۱۱

محفل مقدس روحانی شیدالله ارکانه

بطوری که در آثار مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا فذاه مشاهده گردید هیکل مبارک راضی نبوده اند که علامت اسم اعظم و جمله (یا بهاء الابهی) بر روی سنگ قبور حک شود. علی هذا آن محفل مقدس نیز در این مورد مراقبت فرمایند تا دستور فوق اجراء گردد.

با تقدیم تحیات بهایی - منشی محفل

جمال مبارک در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند، قوله الاحلی: «لا تَجْزَعُوا فِي الْمَصَائِبِ وَلَا تَفْرَحُوا ابْتِغَاءَ امْرَأَيْنِ الْأَمْرَيْنِ هُوَ الْمَتَذَكَّرُ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ وَالتَّنْبَهُ عَلَى مَا يَرِدُ عَلَيْكُمْ فِي الْعَاقِبَةِ كَذَلِكَ يَنْبَغُكُمْ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»
حضرت ولی امر الله می فرمایند، قوله العزیز:

«حُسن جریان و نُظم امور اداری باید با همان درجه از محبت و خلوص و ترقی روحانی توأم باشد. این دو کیفیت هر دو ضروری است تفکیک یکی از دیگری بمنزله سلب حیات از هیکل امر الله خواهد بود. در این ایام که امر الله هنوز در مرحله طفولیت است باید نهایت سعی و دقت مبذول گردد که روح ساریه در هیکل تشکیلات به واسطه امور عادی اداری افسرده و مخمود نگردد. این روح قوه نابضه و نیروی محرکه حیات امر الله است.» (ارکان نظم بدیع، صفحات ۷۲ - ۷۱)

جلسات تذکر به سه منظور منعقد می گردد:

- ۱ - اظهار همدردی و ابراز تسلیت به خانواده و کسان متوفی
- ۲ - طلب مغفرت و اعتلای مقامات متوفی از طریق زیارت آثار و الواح مبارک که
- ۳ - تذکری برای شرکت کنندگان بمنظور توجه و دقت و تفکر در آثار مبارک

فضای جلسات محافل تذکر

ایجاد فضای روحانی و محیطی سرشار از سکوت و آرامش از ویژگیهای جلسات تذکر می باشد.

جلسات تذکر محلی است که ضمن زیارت آثار و الواح و مناجات باعث تسلی بازماندگان و بقای روح متوفی می باشد. بخصوص در مواردی که افراد نیربهایی نظر به آشنایی و نسبتی که با فرد متوفی دارند و در این جلسات شرکت می نمایند بسیار علاقه مند هستند که صحنه هایی توأم با نظم، آرامش و روحانیت ملاحظه و مشاهده نمایند. لذا ناظمین محترم جلسات تذکر و محافلی که برای یادبود منعقد می گردد

می‌بایست این فضا و شرایط را به وجود بیاورند و با هماهنگی با میزبان و خادمین اینگونه اجتماعات و همکاری شرکت کنندگان محیطی روحانی در شأن جامعه بهایی فراهم نمایند. لذا تقاضا می‌شود توجه دقیق و عنایت مخصوص به موارد زیر مبذول بفرمایند و ضمن انعقاد جلسه‌ای با حضور کلیه افرادی که این مسؤلیت را به عهده دارند هماهنگی لازم به وجود آید:

۱- افرادی که به عنوان ناظم برای اداره جلسات تذکر اعلام آمادگی می‌نمایند شایسته است قبل از ساعت تعیین شده در محل تشکیل جلسه تذکر حاضر و شرایط و تسهیلات لازم را فراهم سازند و محل جلسه را دقیقاً ملاحظه نمایند تا چنانچه نارساییهایی وجود دارد تا حدود امکان مرتفع گردد.

۲- وضعیت ظاهری ناظم از لباس پوشش تأثیر مطلوب یا غیر مطلوب بر کیفیت جلسه و حاضرین خواهد گذاشت.

تلاوت آیات و الواح و مناجاتها

آثار الهیه و الواح و مناجاتهایی که انتخاب می‌شوند و قرار است در طول ساعات تشکیل جلسه تذکر در فواصل مناسب زیارت یا خوانده شوند شخصاً توسط ناظم ملاحظه و بین مجریان توزیع گردد و افراد رأساً و شخصاً مناجات یا لوحی را انتخاب و اجراء نمایند.

قاطعیت ناظم در اجرای برنامه‌ها و انتخاب مطالب خواندنی باید مورد توجه قرار گیرد:

۳- در مواردی که جمعیت زیاد بوده فضای مناسب برای حضور در جلسه نیست و شرکت کنندگان در بیرون از جلسه و حتی فضای کوچه و خیابان اجتماع می‌نمایند آثاری انتخاب شود که طولانی و مفضل نبوده و به یکی دو مناجات یا لوح کوتاه اکتفا گردد.

۴- افرادی که برای اجرای برنامه انتخاب یا داوطلب می‌گردند حتی المقدور کسانی باشند که بالحن خوش و صحیح و رسا برنامه‌ها را اجراء نمایند. در این قسمت ناظم^۲

می‌بایست بسیار دقت نماید و با اطمینان این کار را دنبال کند.

۵ - علاوه بر آثار مبارکه و مناجات‌ها و الواح از خطابات مبارکه حضرت عبدالنبه‌اء بخصوص راجع به بقای روح استفاده گردد.

۶ - از خواندن شعر، خاطره، نقل مطالب شفاهی، نطق شرح حال خودداری گردد.

۷ - مواردی که بازماندگان علاقه‌مند هستند که شرح حال متوفی خوانده شود کوتاه و شامل بیوگرافی مختصر باشد و به ملاحظه ناظم برسد.

۸ - ناظم از نطق کردن، زیارت بیانات مبارکه مفضل و بی‌مناسبت با جلسه خودداری نماید.

۹ - افرادی که شخصاً داوطلب تلاوت یا زیارت الواح و مناجات می‌باشند انتخاب مناجات یا لوح توسط ناظم صورت گیرد.

۱۰ - اگر در بین برنامه‌ها ناظم می‌خواهد نص یا بیانی را زیارت نماید اطمینان داشته باشد که صحیح می‌خواند و مطلب هم مناسبت با جلسه داشته باشد و صرفاً در پیرامون بقای روح و تسلی بازماندگان و صبر و سکون در مصیبت باشد.

۱۱ - از اجرای برنامه‌هایی که حالت دسته‌جمعی دارد نظیر کر، سرود و اذکار خودداری شود.

نظم جلسه

۱ - از رفت و آمد اطفال حین اجرای برنامه‌ها جلوگیری شود و قبل از اجرای برنامه‌ها از این بی‌نظمی ناظم جلوگیری نماید. از والدین تقاضا شود حین تلاوت الواح و مناجات‌ها مراقبت کامل از اطفال خود بفرمایند. بهتر است اینگونه والدین در محلی جلوس نمایند که امکان خروج از جلسه آسان و عملی باشد.

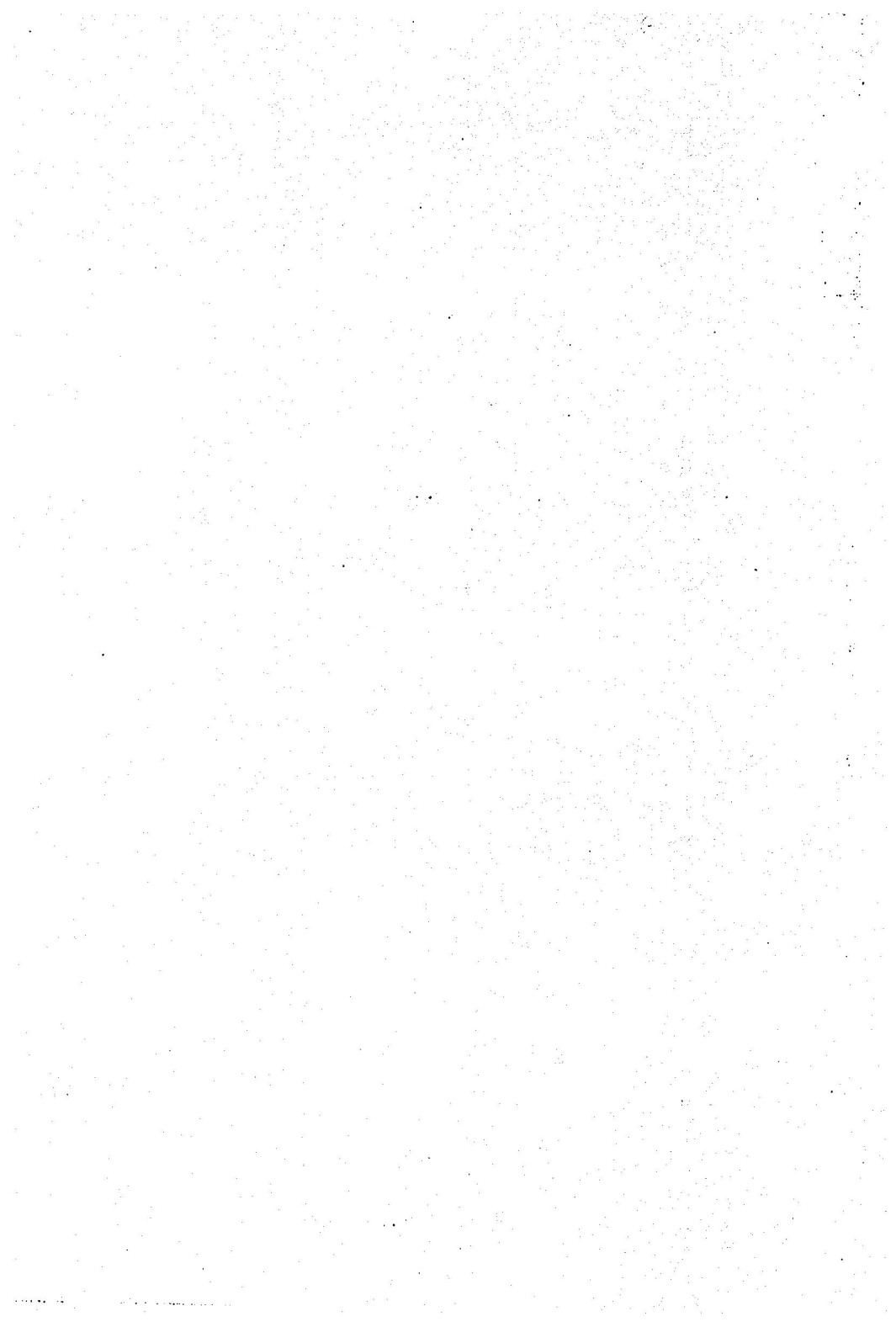
۲ - افرادی که در پذیرایی از حاضرین خدمت می‌نمایند نفوسی باشند که از هر لحاظ مناسب با جلسه تذکر باشند. قبلاً با میزبان هماهنگ شود.

۳ - از پذیرایی‌های طولانی و مفضل خودداری شود بخصوص مواردی که تعداد زیادی از

- احباء در بیرون از جلسه به علت نبودن محل سرپا ایستاده‌اند و گاهی صحبت آنان باعث اختلال در جلسه هم می‌گردد.
- ۴ - فردی یا افرادی به عنوان کمک ناظم در بیرون از جلسه هماهنگی لازم را برای ایجاد نظم و آرامش صورت دهد.
- ۵ - فامیل درجه یک فرد متوفی در محل خاص در دسترس جلوس نمایند که برای شرکت کنندگان و عرض تسلیت راحت و امکان پذیر باشد.
- ۶ - ناظم در مکانی قرار گیرد که نسبت به جلسه دید کامل داشته و مطالب قابل شنیدن برای همه حاضرین باشد.
- ۷ - بالتیابه از طرف بازماندگان متوفی از شرکت و همدردی احباء تشکر و امتنان بعمل آید.
- ۸ - افرادی که در محل پذیرایی مشغول خدمت می‌باشند دعوت به سکوت و سکون به هنگام زیارت آثار مبارکه و الواح و مناجات شوند.
- ۹ - از اجرای برنامه‌هایی که با روح جلسه تذکر مغایر می‌باشد و از کیفیت روحانی جلسه می‌کاهد ناظم شخصاً تصمیم بگیرد ولی تلاش نماید در اینگونه موارد ایجاد سوء تفاهم بعمل نیاید و بسیار با حکمت و درایت عمل نماید.
- ۱۰ - در موارد بسیار استثنایی که فامیل متوفی اصرار در گرفتن فیلم از جلسه تذکر دارند بایستی به هنگام زیارت آثار الهیه نهایت مراقبت بعمل آید که کوچکترین بی نظمی در جلسه به وجود نیاید و روحانیت جلسه تضعیف نگردد.
- ۱۱ - ناظم و معین ناظم یادآوری نمایند به هنگام ترک جلسه از اجتماع و صحبت طولانی خودداری شود.

احوال شخصی

طلاق



نصوصی مبارکه

الف - کراهت طلاق

۱ - در کتاب مستطاب اقدس نازل عزّ قوله تعالی: «انّ الله احب الوصل و الوفاق و ابغض الفصل و الطلاق ...»

مضمون آیه مبارکه این است: همانا خداوند وصل و موافقت را دوست دارد و جدایی و طلاق را مبغوض می‌شمارد.

۲ - حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «یاران باید بکلی از طلاق اجتناب نمایند مگر آنکه عوارضی در میان حاصل گردد که سبب برودت شود و مجبور بر انفصال شوند ... اساس ملکوت الله بر مودت و محبت و وحدت و مؤانست و اتفاق است نه بر اختلاف خصوصاً بین زوج و زوجه اگر یکی از این دو طرف سبب طلاق شود البته در مشکلات عظیمه افتد و به صدمات شدیده گرفتار آید و پریشان و پشیمان گردد...» (نقل از کتاب گنجینه حدود و احکام)

۳ - حضرت ولی امرالله در توقیع مبارک مورخ ۱۴ شهرالرحمة ۹۵ که به افتخار محفل مقدس روحانی ملی ایران نازل شده می‌فرمایند:

«امر طلاق بسیار مذموم و قبیح و مخالف رضای الهی است آنچه از قلم حضرت عبدالبهاء در این خصوص نازل بین عموم یاران انتشار دهند و کل را بیش از پیش متذکر دارند. اجرای حکم طلاق مشروط به تصویب و اجازه امنای محفل روحانی است باید در این قضایا اعضای محفل مستقلاً یکمال دقت تمعن و تفحص نمایند و اگر چنانچه عذر شرعی موجود و اتحاد و ائتلاف به هیچ وجه من الوجوه ممکن نه و تنفر شدید و اصلاح و رفع آن محال طلاق و افتراق را تصویب نمایند.» (نقل از گنجینه حدود و احکام)

ب - تربص و نفقه

۴ - در کتاب مستطاب اقدس نازل عزّ قوله تعالی: «و ان حدث بینهما کدوره او کره لیس

له ان یطلقها و له ان یصبر سنة كاملة لعل تسطع بينهما رائحة المحبته و ان حملت و ما فاحش
فلا بأس فی الطلاق انه كان علی کل شیء حکیماً»

مضمون آیه مبارکه این است: اگر بین زوجین کلدورت یا گره حاصل شود زوج
نمی تواند زوجه را طلاق دهد بلکه موظف است یک سال کامل صبر کند شاید بین آنان
رایحه محبت بوزد و اگر یک سال کامل سپری شد و رایحه محبت نوزید پس طلاق
مانعی ندارد زیرا خداوند بر هر چیز حکیم است.

۵ - در رساله سؤال و جواب نازل عز قوله تعالی: «بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل از
اقتران اگر اراده طلاق نماید جایز است ایام اصطبار لازم نه و لکن اخذ مهر از مرثه جایز
نه»

۶ - حضرت ولی امرالله در توقیع منیع مورخ ۱۹ شهر الشرف ۹۹ مطابق ۱۸ ژانویه
۱۹۴۳ خطاب به محفل مقدس روحانی ملئی ایران می فرمایند: «راجع به امر طلاق و
اصطبار زوج یک سنه کامله و اعطاء نفقه به زوجه در مدت اصطبار سؤال نموده بودیدم
که آیا این حکم در حق زوجین بهایی است و اگر زوجه بهایی نباشد حکمش چگونه
است فرمودند بنویس شخص بهایی باید متمسک به حکم کتاب باشد انحراف
به هیچ وجه من الوجوه جایز نه ولو زوجه غیر بهایی باشد اقتران با اغیار معلق و مشروط به
اجرای احکام کتاب است از طرف شخص بهایی و الا اقتران بهایی با غیر بهایی جایز نه»
(نقل از منتخبات توقیعات مبارکه)

۷ - حضرت ولی امرالله در توقیع منیع مورخ هفتم شهر العلاء ۱۰۲ مطابق هشتم مارچ
۱۹۴۶ می فرمایند: «راجع به طلاق دادن زوجه ثانیه و مدت تأمل مطلقه در اختیار نمودن
زوج جدید فرمودند بنویس اصطبار یک سنه لازم و مخارج نفقه و کسوه به زوج راجع»
(نقل از منتخبات توقیعات مبارکه)

۸ - حضرت ولی امرالله در توقیع مورخ ششم نوامبر ۱۹۳۵ چنین می فرمایند: «در
خصوص اجرای طلاق در صورتی که به میل زوجه حاصل آیا اخذ نفقه در مدت
اصطبار از زوج باید بشود یا نه؟ فرمودند بنویس در هر حال نفقه را باید زوج به موجب

حکم کتاب تأدیه نماید.» (نقل از منتخبات توفیحات مبارکه)

۹ - در کتاب مستطاب اقدس نازل عزّ قوله تعالی: «والتی طلقت بما ثبت علیها منکر لانفقة لها ایام تربصها کذلک کان نیز الامر فی ائق العدل مشهوداً»

مضمون آیه مبارکه این است: زنی که به واسطه ثبوت ارتکاب او به عمل منکر طلاق داده شود در ایام تربص نفقه ندارد. نیز امر الهی از افق عدالت چنین ظاهر شده است.

۱۰ - حضرت ولی امرالله در لوحی خطاب به محفل روحانی مرکزی ایران چنین می فرماید: «اما در خصوص کراهت بین زوج و زوجه از هر طرفی کراهت واقع حکم تربص جاری و در این مقام حقوق طرفین مساوی امتیازی و ترجیحی نه» (نقل از گنجینه حدود و احکام)

ج - مخارج مسافرت

۱۱ - در کتاب مستطاب اقدس نازل عزّ قوله تعالی: «و الذی سافر و سافرت معه ثم حدث بینهما الاختلاف فله ان یؤتیها نفقة سنة کامله و یرجمها الی المقز الذی خرجت عنه او یسلمها بید امین و ما تحتاج فی السبیل لیبلفها الی محلها ان رنک یحکم کیف یشاء...»
مضمون آیه مبارکه این است: شوهر به اتفاق زنش مسافرت کند و در مسافرت بین آنان اختلاف حاصل شود بر عهده شوهر است که مخارج یک سال کامل را بپردازد و او را برگرداند به جایی که از آنجا آورده است یا بسپارد به دست شخص امینی که او را به محلش برساند و آنچه برای مسافرت لازم است بدهد همان خدای تو حکم می کند هر طور بخواهد.

د - رجوع زوج به زوجه مطلقه خود

۱۲ - حضرت ولی امرالله در جواب سؤال محفل روحانی ملی ایران راجع به رجوع زوج به زوجه پس از تحقق طلاق چنین می فرماید: «اجرای عقد لازم و اعطای مهریه واجب» (نقل از رساله گنجینه حدود و احکام)

۱ - در دستخط مورخه ۱۲ شهر النور ۱۲۳ مطابق ۱۲ ژوئن ۱۹۶۶ هجری فرمایند: «اگر طرف غیر بهایی یا مطرود در مدت تربص از دواج نماید طرف بهایی مکلف بر اصطبار در سنه تربص نیست».

۲ - دستخط ۱۶ شهر الاسماء ۱۲۳ - ۴ سپتامبر ۱۹۶۶ بیت العدل اعظم

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه
مکتوب ۱۰ شهر الکمال آن محفل و مکاتبه با محفل مقدس روحانی طهران راجع
به تقسیم زیور و جواهر مخصوصه میان زوج و زوجه در مواقع طلاق ملاحظه گردید
رأی آن محفل در این مورد بشرح مرقوم مورد تصویب و تأیید این هیأت است.

با تقدیم تحیات بهایی - بیت العدل اعظم

۳ - نقل از مکتوب مورخه ۱۰ شهر الکمال ۱۲۳ محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران
که مطابق دستخط بیت العدل اعظم مورد تصویب واقع شده.

« آنچه زینت آلات از طرف زوج برای زوجه تهیه شده متعلق به زوجه است و
هدایای تقدیمی هم آنچه جنبه اختصاصی ندارد مثل ساعت مردانه و غیره معلوم و روشن
است که برای زوج تهیه شده بقیه متعلق به زوجه است البته به استثنای مواردی که بین
طرفین قرارداد خاصی وجود داشته باشد که باید طبق آن رفتار شود.»

۴ - دستخط مورخه اول شهر العظمة ۱۲۴ مطابق ۱۷ می ۱۹۶۷ بیت العدل اعظم

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

در جواب مکتوب ۷ شهر الجلال آن محفل راجع به مسائل مندرجه از قبیل محفل

روحانی طهران مراتب ذیل را به استحضار تان می‌رسانیم:

راجع به سؤال اول یعنی پرداخت نفقه به زوجه بعد از دوره سنه تربص اگر چه
پرداخت نفقه شرعاً واجب نیست ولیکن بدیهی است زوج و جداناً مکلف است نفسی را
که قبلاً شریک زندگی او بوده و حال بعد از جدایی از زوج محتاج مانده لیله رعایت
بنماید و در جمیع احوال انصاف دهد و در این سبیل ارشادات محفل را و جداناً تمکین

نماید. علی العجالة در این موضوع کماکان محافل روحانیه با رعایت مقتضیات و عدالت تصمیم گرفته نفوس را به وظایف روحانیه خویش ارشاد خواهند کرد. اما راجع به سؤال ثانی قبول رضایت کلی و بلا شرط والدین در ازدواج فرزندان خویش از طرف محافل روحانیه جایز.

با تقدیم تحیات بهیه - بیت العدل اعظم

۵ - دستخط ۱۷ شهر السلطان ۱۲۵ - ۲۷ دسامبر ۱۹۶۸ بیت العدل اعظم در موردی که بین زوج و زوجه به واسطه عدم اقتران فصل واقع گردد و بر محفل روحانی صحت ادعا محتوم باشد انطباق نص مرقوم در رساله سؤال و جواب بر این قضیه جائز و رعایت سنه اصطبار غیر لازم با تقدیم تکبیرات بدیعه

بیت العدل اعظم

۶ - دستخط ۱۰ شهر الکمال ۱۲۷ - ۱۰ آگست ۱۹۷۰

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه به ضمیمه سواد عکس مکاتیب آقای نورالدین طائفی را ارسال می داریم تا آن محفل به صلاح دید خود جوابی به مشارالیه عنایت فرماید.

ضمناً مرقوم می داریم که مقصود از سنه اصطبار حدوث سازش و التیام است اگر یکی از طرفین طرد در روحانی شده باشد و ظاهراً آمیدی به رجوع او نباشد البته رعایت سنه اصطبار معنی و مفهومی نخواهد داشت ولی البته محفل باید در هر مسأله جداگانه دقت و تمعن نماید و تصمیم کلی و عمومی در این قبیل موارد اتخاذ و اعلان ننماید و هر مشکلی را با در نظر گرفتن شرایط مخصوصه مربوطه فیصله دهد.

و اما در مسأله حقوق الله چنانچه قبلاً در این خصوص ذکر شده افراد حق تصرف در آنچه سهم حقوق الله است ندارند و لو آن سهم تعلق بر اموال خویش داشته باشد در جمیع موارد تصرف در حقوق الله باید با اذن و تصویب مرجع امر باشد.

با تقدیم تحیات، بهیه - بیت العدل اعظم

۷ - دستخط ۳ شهر الاسماء ۱۲۹ - ۲۱ آگست ۱۹۷۲

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

در جواب مکتوب موزخ ۱۹ شهر الکلمات ۱۲۹: شماره ۱/۱/۲ و سؤال ان محفل که آیا زوج و یا زوجہ می‌توانند در دوره ترنص در شهر یا مملکتی دور از یکدیگر زندگی نمایند؟ مرقوم می‌داریم که طرفین وجداناً مکلفند که بکشند تا مقصود حکم کتاب از قرار ترنص حتی الامکان تحقق یابد یعنی چون طلاق عندالله مینوض است مدت معینه اصطبار را وسیله‌ای برای تجدید ائتلاف دانند ولیکن در نصوص الهیه معنی در باره مسافرت یکی از طرفین در دوره اصطبار زیارت نگردید. لهذا بلا مانع با تقدیم تحیات بهیته - بیت العدل اعظم

۸- دستخط ۱۹ شهر العلاء ۱۲۸ - ۲۰ مارچ ۱۹۷۲

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه در جواب مکتوب موزخ ۹ شهر العلاء ۱۲۸ شماره ۹۹۴۵ راجع به اختلاف بین دکتر... و قرینه ایشان مرقوم می‌داریم امضاء فسخ نامه نظر به حوادث واقعه جایز است و تا زوج مسلمان ازدواج مجدد نکرده رعایت بقیه سنه ترنص از طرف، طرف بهایی لازم و واجب است.

با تقدیم تحیات بهایی - بیت العدل اعظم

۹- دستخط ۱۰ شهر النور ۱۲۹ - ۱۳ جون ۱۹۷۲

برادر عزیز روحانی جناب نورالدین طائفی علیه بهاءالله مکاتیب موزخ ۱۹ شهر البهاء و دوم عید اعظم رضوان واصل و مسائل مرقومه ملاحظه گردید.

سؤال دوم که مرقوم بود که شوهر بهایی وزن مسلمان قبل از ایمان شوهر عقد ازدواجشان به موجب قوانین اسلامی بوده و در مورد طلاق شوهر بهایی چه حکمی صادق است؟ شوهر بهایی باید تاریخ ترنص گذارد و اصطبار و پرداخت نفقه یک سنه را مراعات کند.

اما راجع به قطعی شدن طلاق غیر بهایی طبق قوانین مملکتی باید با محفل روحانی مشورت نمایند...

با تقدیم تحیات بهیته - بیت العدل اعظم

۱۰ - دستخط ۱۶ شهر النور ۱۲۹ - ۷ دسامبر ۱۹۷۲

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

مکتوب موزخ ۱۹ شهر العظمة ۱۲۹ شماره ۹/۱۹/۸۰ آن محفل به انضمام نامه محفل روحانی طهران واصل و سؤال مرقومه مطالعه گردید بنظر این هیأت عارض شدن امراض جسمانی یا عقلانی فی حد ذاته علت طلاق محسوب نمی گردد و محافل روحانیه باید در هر مورد در قضایای محوله مطالعه نمایند و تصمیم بگیرند و لکن البته محافل روحانیه در اخذ تصمیم در اینگونه موارد رعایت حال مریض یا مریضه را از عوایل مهمه در شور و صدور رأی محسوب خواهند داشت.

با تقدیم تحیات بهینه - بیت العدل اعظم

۱ - نمره ۸/۱۲/۸۹

تاریخ ۹ شهر القدره ۱۲۹
مطابق ۱۳۵۱/۸/۲۰

محافل مقدسه روحانیه شیدالله بنیانهم

با استفاده از توفیعات مبارکه مولای شفق اهل بهاء حضرت ولی امرالله ارواحنا فداء این محفل در شصت و یکمین جلسه مورخه هفتم شهرالعلم ۱۲۹ بدیع در خصوص تصویب ثبت تربص و طلاق از طرف محافل مقدسه روحانیه محلیه چنانچه تصویب ثبت تربص مورد اعتراض یکی از زوجین باشد آیا این رای قابل تجدیدنظر در محفل ملی هست یا اینکه رای مزبور قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است قرار ذیل را صادر نموده است:

« چون آراء صادره از محافل روحانیه در مورد تصویب ثبت تاریخ تربص و طلاق قطعی بوده و قابل تجدیدنظر نمی باشد لذا شایسته است محافل مقدسه روحانیه طبق نص صریح مولای شفق حضرت ولی امرالله تفحص کامل نمایند و چون از وصل و وفاق کاملاً مأیوس گردیدند آن وقت ثبت تاریخ تربص را تصویب نمایند.»
دستور مبارک حضرت ولی امرالله در کتاب راهنمای محافل روحانی در قسمت طلاق درج شده.
با تقدیم تحیات بهایی - منشی محفل

۱۸ شهرالعلاء ۱۲۹
مطابق ۱۳۵۱/۱۲/۲۸

۲ - ۸/۱۲/۱۲۳

محفل مقدس روحانی شیدالله ارکانهم

مستدعی است دستور ذیل را جزو راهنمای محافل منظور فرمائید:

ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی شیدالله بنیانه طی دستخط مبارک مورخ ۶ شهر الشرف ۱۲۹ بدیع قرار این محفل را دائر بر اینکه آرائی که در مورد تربص صادر می شود قابل استیناف نیست مورد تائید قرار ندادند و با صدور بیان ذیل این محفل را هدایت فرمودند:

«بنظر این هیأت چون تصویب تاریخ تربص از وظائف محافل محلیه است بیان مبارک متوجه اعضای محافل محلی شده ولی چون جمیع تصمیمات محافل محلیه قابل استیناف است استثنائی که در مورد ثبت تاریخ تربص معین فرموده اند جائز نیست و باید به نحوی که مقتضی میدانند عبارت تصمیم خود را که در اختیار شورای درج شده تعدیل و اصلاح نمایند»

با توجه به امریه مطاعه فوق دستور قبلی این محفل را در مورد عدم جواز استیناف از رأی تربص کان لم یکن تلقی فرمایند. بدیهی است محافل مقدسه روحانیه در مورد ثبت تاریخ تربص طبق نص صریح کمال مراقبت را معمول خواهند داشت که اوامرشان با کمال روح و ریحان مورد اطاعت قرار گیرد.

تقدیم تحیات بهائی - منشی محفل

۳ - نمره ۸/۱۲/۷۷ تاریخ ۱۰ شهرالمشیه ۱۲۹ مطابق ۱۳/۷/۱۳۵۱

محفل مقدس روحانی بهائیان شیدالله ارکانه

چنانچه بین زوجین بهایی خدانکرده اختلاف حادث شود و منجر به طلاق قطعی امری گردد و بین آنان راجع به ازدواجشان قبلاً اقرارنامه رسمی تنظیم شده یا در موقع ازدواج به واسطه بهایی نبودن یکی از زوجین عقدنامه رسمی غیرامری موجود باشد و پس از ازدواج موفق به ایمان شده است در این صورت برای از بین بردن اثرات قانونی اقرارنامه یا عقدنامه رسمی زوجین موظف اند پس از قطعیت طلاق امری به دادگاه حمایت خانواده متفقاً مراجعه کرده تقاضای صدور گواهی عدم سازش کنند. چنانچه یکی از طرفین در این قسمت مخالفت بکند باید بداند که مخالفت او مخالفت با دستورات امری بوده و ممکن است به مجازات طرد اداری از طرف این محفل محکوم شود و بدیهی است طرف دیگر در این صورت برای گرفتن گواهی عدم سازش از دادگاه حمایت خانواده مجاز می باشد به هر وسیله قانونی متثبت گردد.

مدلول این متحدالمال فقط برای اطلاع نفس آن محفل است که در موارد لازم بموجب آن مراجعین را راهنمایی فرماید.

با تقدیم تحیات بهایی - منشی محفل

۴ - طبق متحد المال ۲۴۸۱ مورخه ۱۵ شهر الجمال ۱۲۶ مطابق ۴۸/۲/۲۲ محفل مقدس روحانی ملی - محافل روحانیه محلیه در صورت تصویب تربص لازم است تاریخ تصویب تربص را کتبا به لجنه ملی احصائیه اعلام دارند.

۵ - متحد المال ۱۶۰۰ م - ۵۴ م مورخه ۳ شهر الشرف ۱۲۴ مطابق ۱۳۴۶/۱۰/۱۲ محفل مقدس روحانی شیدالله ارکانه

بنظر به تصویب قانون حمایت خانواده راجع به کیفیت ثبت ازدواج و طلاق در دفاتر اسناد رسمی چون از لحاظ انطباق احکام مربوط به ازدواج و طلاق بهایی با قانون مزبور لازم بود نکاتی به اطلاع احبای عزیز الهی برسد. اینک نظریه لجنه ملی مشاوره حقوقی را که به تصویب این محفل رسیده است ذیلاً اعلام می دارد:

اولاً: در صورتی که طرفین بهایی باشند و اقرارنامه رسمی قبلاً تنظیم نکرده باشند همان طوری که در موقع ازدواج به واسطه اینکه ازدواج بهایی را ثبت نمی کنند به دفاتر اسناد رسمی مراجعه نمی نمایند در موقع طلاق هم از مراجعه به دادگاه برای اخذ گواهینامه عدم سازش و رجوع به دفاتر رسمی طلاق خودداری نمایند ولی لازم است هر یک از زن و شوهر حتی الامکان در انقضای مدت تربص که طلاق قطعی می شود به خط خود شرحی در سه نسخه حاکی از وقوع طلاق و قطع رابطه زوجیت و تسویه امور مالی از قبیل مهریه و جهیزیه و نفقه و غیره نوشته و امضاء نموده تسلیم لجنه اصلاح و یا محفل نماید تا یک نسخه آن را ضبط و در موقع لزوم به هر یک از طرفین نسخه ای تسلیم دارند.

ثانیاً: در صورتی که یکی از زوجین بهایی نباشد ناچار پس از خاتمه مدت تربص و قطعی شدن جدایی باید طرفین به دادگاه صالحه جهت اخذ گواهینامه عدم سازش و اجراء تشریفات طلاق مراجعه و طرف بهایی در این مورد باید مقررات امری را از قبیل عدم کتمان عقیده و غیره از هر جهت رعایت نماید.

ثالثاً: در صورتی که زن و شوهری که بهایی هستند چنانچه سابقاً عمل می شده اقرارنامه رسمی فیما بین تنظیم کرده باشند و حال قصد جدایی از یکدیگر را دارند پس از انقضای

مدت تربص طرفین به دادگاه مراجعه کرده و تقاضای صدور گواهینامه عدم سازش کنند و چون در این تقاضا اتفاق نظر دارند دادگاه به سهولت گواهینامه صادر می کند و پس از اخذ گواهینامه عدم سازش طرفین متفقاً شرحی به دادگاه صادر کننده مرقوم دارند و مراتب وقوع طلاق و جدایی را و اینکه دیگر هیچ گونه حق و ادعایی بر یکدیگر ندارند اعلام کنند و هر یک نسخه از آن را نزد خود محفوظ دارند.

در خاتمه این نکته را متذکر می شود که چون ممکن است با وضع مقررات جدید برای احبایی که قصد ازدواج با افراد غیر بهایی دارند مشکلاتی ایجاد شود قبل از مبادرت به هر گونه اقدام به لجنه ازدواج یا محافل محلیه مراجعه نموده کسب نظر ایشان را در این خصوص بنمایند و پس از بررسی و دقت کامل و ملاحظه اطراف و جوانب آن اقدام کنند. این متحدالمال صرفاً جهت اطلاع محافل مقدسه روحانیه است و اعلان آن به یاران ضرورتی ندارد.

با تقدیم تحیات روحانیه - منشی محفل

وظایف لجنه اصلاح

- ۱ - لجنه اصلاح لجنه‌ای است که از طرف محفل مقدس روحانی هر محل جهت رسیدگی به اختلافات زناشویی احباء انتخاب و تشکیل می‌شود و چون مراجعین این لجنه همواره زن و شوهرها هستند اعضاء لجنه هم مرکب از چند نفر از آقایان و خانمها انتخاب می‌گردند.
- ۲ - لجنه اصلاح مستقیماً عرضحال شاکیان را نمی‌پذیرد بلکه لازم است شخص شاکی چه زن و چه شوهر اول شکایت خود را به محفل مقدس روحانی تقدیم نماید. محفل مقدس روحانی مختار است به شکایت شاکی یا شاکیه شخصاً رسیدگی فرماید یا رسیدگی به آن را به لجنه اصلاح ارجاع فرماید.
- ۳ - به محض ارجاع شکایت شاکی از طرف محفل روحانی لجنه اصلاح طرفین اختلاف را به جلسه لجنه دعوت می‌کنند و پس از حضور طرفین در جلسه به طرفین تکلیف می‌کند که هر یک موضوع شکایت خود را با کمال آزادی مشروحاً بیان کند و لجنه اصلاح موظف است با کمال صبر و بردباری اظهارات طرفین را هر قدر هم مفضل باشد با اظهار علاقه و دقت تمام استماع کند و متداعیین را مجبور به خلاصه کردن شکایاتشان نکند. نتیجه این اظهارات مشروح شاکیان و بردباری لجنه اولاً قدری از کدورت زن و شوهر که از یکدیگر دارند می‌کاهد ثانیاً لجنه اصلاح از اظهارات مشروح طرفین به علت و موجبات کدورت حاصله بین زوجین واقف و مطلع می‌شود.
- ۴ - چنانچه این مقصود در یک جلسه حاصل نشود یا شاکیان هر دو یا یکی از آنان در جلسه رسمی لجنه نخواهد علت یا علل کدورت خود را بیان کند کمیسیونی مرکب از چند نفر از اعضاء لجنه انتخاب می‌شود که در خارج قضیه را تعقیب کند تا کاملاً به علل اختلاف واقف و آگاه گردند.
- ۵ - پس از اطلاع کامل بر علل اختلاف لجنه اصلاح و کمیسیون با تمام قوا و حوصله برای رفع علل و ایجاد الفت و محبت و آشتی بین زوجین کوشش می‌کنند و هر چند

جلسه صرف وقت لازم باشد بعمل می آورند و حتی می توانند برای رفع کدورت و ایجاد الفت بین زوجین از اقوام طرفین یا اشخاص صلاحیتدار کمک بگیرند چنانچه موفق به رفع کدورت شوند نتیجه را به اطلاع محفل مقدس روحانی می رسانند و اگر توفیقی حاصل نکردند جریان اختلاف و علت آن را با شرح اقداماتی که بعمل آورده اند به ممیسه عین دوسیه متشکله بدون اظهار نظر و تأیید تربص به محفل روحانی کتباً گزارش می دهند (چون تصویب تربص و طلاق از وظایف مختصه نفس محفل مقدس روحانی است و از اختیارات لجنه اصلاح خارج است).

۱- محفل مقدس روحانی پس از وصول گزارش و دوسیه امر از لجنه اصلاح با رعایت دستور منیع موزخه ۱۴ شهرالرحمة ۹۵ حضرت ولی امرالله طرفین را به جلسه محفل عوت کرده و برای رفع کدورت و ایجاد الفت نهایت کوشش خود را بعمل می آورد و گر خدا نکرده توفیق حاصل نفرماید و طبق دستور مبارک منضاضی، نسبت تربص را محقق تشخیص دهد تربص را تصویب کرده و شروع تربص و اصطبار یک سال از تاریخ تصویب تربص محسوب و قید خواهد شد و دوسیه امر را با تعیین تاریخ تربص جهت سیدگی به اختلافات مالی طرفین از قبیل تعیین میزان نفقه، کسوه، محل سکونی، جهازیه، سرپرستی اطفال (اگر اطفالی داشته باشند) به لجنه اصلاح عودت می دهد.

۱- لجنه اصلاح پس از رسیدگیهای لازم رأی خود را صادر کرده به طرفین ابلاغ می کند. اگر طرفین قبول کردند فبها و اگر رأی لجنه را عادلانه تشخیص ندادند و متراض داشتند دوسیه مربوطه را با اعتراض معترض برای رسیدگی نهایی به محفل مقدس روحانی ارسال می دارد و رأی محفل مقدس روحانی در این قسمت عملاً بمنزله رأی نهایی و رافع اختلاف خواهد شد و دیگر شایسته نیست که طرفین اختلاف از رأی محفل روحانی خویش از محفل مقدس روحانی ملئ تقاضای رسیدگی استینافی و جدید نظر نمایند.

۱- لجنه اصلاح دفتری برای ثبت تاریخ شروع تربص و ثبت قرارهای صادره راجع به میزان نفقه، جهازیه، نگاهداری اطفال، شروع تربص و قرارهای دیگر در ستون

مخصوص از زوجین امضاء می گیرد.

۹- چنانچه ترتیب از طرف محفل مقدس روحانی تصویب شود و یکی از زوجین غایب نباشد و از تصویب ترتیب و تاریخ شروع آن خبردار نشود محفل مقدس روحانی یا لجنه اصلاح موظفند طرف غایب را به وسایل ممکنه از تاریخ شروع ترتیب آگاه کنند.

۱۰- اگر در مدت اصطبار بین طرفین سازش حاصل شود موظفند به لجنه اصلاح یا محفل روحانی اطلاع دهند تا لجنه اصلاح سازش را در ستون مربوطه دفتر قید نماید و اگر مدت اصطبار منقضی گردد و خبری به لجنه اصلاح نرسد لجنه اصلاح لازم است از طرفین دعوت کند در صورتی که مسلم شد بین طرفین در مدت اصطبار سازش حاصل نشده قطعیت فصل و طلاق را در دفتر ثبت نموده و به طرفین ابلاغ فرماید که تعلقه زوجیت بین آنان قطع شده است و از تاریخ انقضاء مدت اصطبار ببعد اگر بخواهند با یکدیگر سازش کنند باید عقد جدید با تمام شرایط لازمه از قبیل رضایت ابویین طرفین و تعیین میزان مهریه و رعایت ۹۵ روز حداکثر فاصله از تاریخ موافقت تا زفاف و غیره بجا آورند.

۱۱- در مراکزی که لجنه اصلاح وجود ندارد کلیه وظایف فوق بعهده محفل مقدس روحانی محفل خواهد بود.

طلاق^(۱)

- ۱ - امر طلاق مؤکداً مکروه و مبغوض است.
- ۲ - در صورت بروز کُره و کدورت از یکی از زوجین وقوع طلاق جایز اما موکول به یک سال تمام تربص است و شروع و اختتام سنه تربص باید به گواهی دو نفر شاهد یا بیشتر برسد و امر طلاق را باید در حاکم شرع بلد که از جانب امنای بیت عدل مأمور است در دفتر ثبت نماید. «اقتران مرء یا مرثه در ایام اضطبار حرام است و اگر کسی مرتکب شود باید استغفار کند و ۱۹ مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند.»
- ۳ - بعد از وقوع طلاق ادامه دوره تربص ضرورت ندارد.
- ۴ - اگر قرار شود زوجه به علت فعل مُنکر مطلقه شود نفقه در ایام تربص به او تعلق نمی‌گیرد.
- ۵ - ازدواج مجدد زوج با زوجه مطلقه جایز مشروط بر اینکه زوجه مزبور با دیگری ازدواج نکرده باشد و الاً باید ابتداءً از شوهر دوم طلاق بگیرد تا بتواند با شوهر اول ازدواج کند.
- ۶ - «اگر در ایام اضطبار الفت به میان آید حکم زواج ثابت» اگر بعد از آشتی مجدداً کُره حاصل و تفاضای طلاق شود تجدید سنه تربص لازم است.
- ۷ - اگر در حین سفر مابین زوج و زوجه اختلاف حاصل شود زوج باید زوجه را به مقر خود برساند و شوهر باید مخارج سفر و نفقه یک سال تمام زن را بپردازد.
- ۸ - اگر زوج قصد جلای وطن کند و زوجه راضی به همراهی نباشد و اصرار در طلاق ورزد سال اضطبار از یوم مفارقت شروع خواهد شد چه در حین تدارک سفر باشد یا موقع عزیمت.
- ۹ - حکم اسلام در مورد کیفیت ازدواج مجدد زوج با زوجه مطلقه نهی شده است.

۱ - نقل از توضیحات کتاب مستطاب افندس

دستور العمل خادمین مراکز امریه در باره طلاق

فرد بهایی که در دامن امر الهی رشد کرده باشد، طبق آیین بهایی از دواج کرده باشد و مکروهیت شدید طلاق را می داند، لہذا نباید با مراجعین طوری برخورد کنیم کہ آنها این اصول کلی را نمی دانند، لابد مشکلات خاصی در زندگی آنها بوده کہ کار را بہ اینجا کشانده، لذا ابتدا باید این مسافر خسته را کہ کولہ باری از رنجها و مشقت و تشنج اعصاب و حتی بروز ناراحتیهای جسمی بر دوش اوست درک کرد. این حقیقت کہ او رنج برده غیر قابل انکار است، لذا همان طوری کہ بیان شد باید با او ہمدردی کرد و اجازه داد کہ داستان رنجها و دردها را بگوید، حالا اینکه بحق رنج برده یا ناحق، مقصر بوده یا نبوده امر دیگری است کہ بعد از بررسی دقیق باید بہ آن پرداخت، و بعد از اینکه مشکلات موجود در روابط زن و شوہر کاملاً روشن شد آن وقت مبتنی بر ہدایات الهی و آثار و نصوص بہ ہر یک از آنها کمک کنیم تا در ایجاد روابط صحیح در زندگی مشترک مشی جدیدی را پیش گیرند و فصل تازہ ای در مناسبات خود آغاز نمایند.

دوستان عزیز بہ جهت ایفای دقیق وظایف در موارد اختلافات زناشویی خاطر تان را بہ

مسائل زیر مستحضر می دارد:

خادمین این امور را بہ دو صورت انجام می دهند یا اینکه خود رأساً رسیدگی می کنند و یا اینکه هیأتی را تحت عنوان «ہیات اصلاح» مأمور این کار می کنند کہ از نفوس موجه، مصلح، صبور، رازدار و خویشتندار، مطلع بہ قوانین و قواعد جامعہ در این مورد انتخاب می گردند. بہ ہر حال ہر ہیأتی این وظیفہ را بہ عہدہ گیرد باید:

۱ - بدانیم کہ در این میان ما مدافع حقیقت هستیم ولو یکی از طرفین فرزند ما باشد ابدأ نباید رائقہ جانبداری بوزد.

۲ - ہرگز اطلاعات قبلی ما راجع بہ خانوادہها و نفوس موجب پیشداوری نگردد تا در دیدن حقیقت دچار مشکل نشویم.

۳ - طرفین را جدا جدا در جلسہ خود دعوت کردہ، ابتدا در کمال صبر و حوصلہ بہ مطالب آنها گوش دادہ هدف این جلسہ بیسّر ابراز درد دل و ایجاد موجبات تخلیہ ذہنی

نسبت به سوء تفاهات طرفین باشد. در این جلسه ترتیبی بدهید که با تلاوت آثار و نصوص به آرامش روحی و روانی ایشان بپردازید و بزودی قضاوت نکنید.

۴ - اگر لازم باشد افراد دیگری را نیز برای کسب اطلاعات بیشتر و بررسی راههای مصالحه و آشتی دعوت و نظریاتشان را اخذ کنید.

۵ - از طرفین بخواهید حال که به جامعه مراجعه کرده‌اند از صحبت نزد دیگران شدیداً بپرهیزند که در غیر این صورت به مشکلات دامن زده می‌شود و مسائل کوچک بزرگ می‌گردد.

۶ - مسؤولین حل اختلاف نیز به هیچ وجه بیرون از جلسه اظهار نظری یا قضاوتی یا حتی اظهار تائسی نفرمایند.

۷ - پس از کسب اطلاعات موثق لازم و مشورت دقیق در جمع و رسیدن به یک اتحاد نظر در این خصوص طرحی برای ایجاد مصالحه و رفع کدورت تنظیم و اقدامات لازم را در این خصوص معمول دارند.

۸ - اگر از افراد دیگری جز اعضای جلسه در امر رفع اختلاف استفاده می‌کنید، اولاً نفوس موخهی باشند ناچاراً دقیقاً نسبت به قضایا توجیه شوند.

۹ - در تمام مراحل مراقبت فرمایید که از پرده‌داری احتراز شود و مسؤولین محترم از کاوش در جزئیات زندگی زوج و زوجه اجتناب ورزند و به طرفین بیشتر تفهیم نمایند که در اظهارات خود رعایت حیا را از اعظم فضائل انسانی و دستور صریح جمال قدم است در کلیه اظهارات خود مرعی دارند.

۱۰ - بدون مطالعه و آمادگی قبلی طرفین را رو در روی هم قرار ندهید، چون در این جلسات مواجهه هر یک برای دفاع از خود متأسفانه مسائلی را طرح می‌کنند که عمق مشکل را بیشتر می‌کند، زمانی امر مواجهه طرفین می‌تواند مؤثر در صلح و سلام بشود که ابتدا بخوبی طرفین توجیه و آماده شوند که در چه محدوده‌ای می‌توانند بیان مطلب کنند و کاملاً از ابراز مسائلی که کدورت فیما بین را تشدید می‌کند انداز گردند، یک چنین جمعی معمولاً برای ایجاد ائتلاف نهایی تشکیل می‌گردد.

۱۸- در تمام ملاقاتها سعی فرمایید به ذکر محامد طرفین و محبتشان نسبت به یکدیگر بپردازید. یعنی هدف ملاقاتها این باشد که غبار کدورتی که روی گوهر عشق و محبت را گرفته زوده شود و سوء تفاهات رفع گردد.

۱۲- اگر تلاشهای شما به نتیجه نرسید و ورود به دوران تربص را مصلحت دیدید، اقدامات زیر را انجام دهید:

الف- ثبت تاریخ تربص را به طرفین و در جمع ابلاغ کنید و هدف دوران تربص را از نظر حق برایشان کاملاً تشریح کنید.

ب- تاریخ ثبت تربص را به ملی اعلام کنید.

ج- نفقه را با توجه به واقعیات موجود و شرایط نسبتاً مناسب که زندگی زن را مطابق دوران زندگی زناشویی تأمین کند تعیین نمایید. توجه داشته باشید که تعیین میزان نفقه چون حکم الله است توسط خادمین تعیین می شود و به حکمیت ارجاع نمی گردد. اگر مردی نتوانست نفقه را پرداخت کند جامعه در مورد تأمین زندگی زن به نحو مقتضی تصمیم خواهد گرفت و اگر مردی از پرداخت نفقه امتناع ورزید تمرد از رأی جامعه محسوب و مشمول تنبیه اداری است.

د- اگر فرزند یا فرزندان وجود دارند، تکلیف ایشان را برای دوران تربص و با توجه به حیوانیت کلی کار که اهم آن مصالح و آرامش روحی فرزند است تعیین فرمایید. و مواظبت کنید که از فرزندان به عنوان اهرم فشار به یکدیگر استفاده نکنند.

ه- هر یک از طرفین که منزل را ترک می کند فقط وسایل شخصی و لوازم دیگری که لازمه زندگی در شرایط موقت است را همراه خواهد در این مرحله اثاث البیت تقسیم نمی شود بلکه می توان از اثاث البیت صورت برداری کرد که اگر ائتلاف حاصل نشد تقسیم اثاث البیت مشکل ایجاد نکند.

اگر طلاق انجام شد، وسایل خصوصی، هدایا و جهیزیه کلاً به زن تعلق می گیرد.

و- تمام موارد حقوقی را که معمولاً اعضاء از آن مطلع نیستند در این مورد خاص بطرز حکیمانه به طرفین یادآوری کنید مثل اینکه تصویب تربص با خادمین است، فرد

می تواند نسبت به ترئص استیناف بدهد، ندادن نفقه تمزد از حکم جامعه و مشمول تنبیه اداری است.

هر یک از طرفین به تنهایی می تواند تقاضای ترئص کند.

گاهی در دوران ترئص زن در منزل والدین خود اسکان پیدا می کند و شوهر به بهانه اینکه همسرش در منزل پدر و مادرش زندگی دوران اصطبار را می گذراند از پرداخت هزینه مسکن امتناع می نماید. تأمین هزینه مسکن، پرداخت نفقه در دوران ترئص به عهده شوهر است.

چنانچه هر یک از طرفین از ترتیب دادن ملاقات فرزندان با هر یک از پدر و یا مادر خودداری کردند، خادمین وظیفه و مسؤولیت دارند نسبت به ترتیب اینگونه ملاقاتها که حق هر یک از طرفین می باشد در فواصل زمانی تعیین شده اقدام نمایند و انجام این کار را مسؤولیت خود بدانند.

تعیین حق و حقوق زن در دوران زندگی مشترک با شوهر خود از دارایی شوهر موردی است که بایستی جداگانه توسط ملی تصمیم گرفته شود و دادن اطلاعات در این زمینه به ملی در امر تصمیم گیری کمک خواهد نمود.

چنانچه در طول سنه اصطبار زن مریض شد و احتیاج به درمان داشت اعم از سربایی یا بستری شدن در بیمارستان شوهر می بایست این هزینه ها را تأمین نماید.

به طرفین ابلاغ گردد که چنانچه در پایان سنه ترئص لاجرم آشتی حاصل نشد طلاق انجام خواهد گرفت و امضاء نمودن هر یک از طرفین ذیل ورقه طلاق حقی را ثابت نمی کند و از نظر موازین امر مبارک پس از این مدت یکسال هر یک از طرفین مجاز و مختار خواهند بود از دواج نمایند.

مطالبی که لازم است خادمین عزیز در مورد اجرای حکم طلاق بدانند
(از کلاسور راهنما استخراج شده)

۱- اجرای حکم طلاق مشروط به تصویب و اجازه امنای محفل روحانی است، اگر چنانچه عذر شرعی موجود و ایتلاف و اتحاد به هیچ وجه ممکن نه و تنفر شدید و رفع آن محال، حکم طلاق و افتراق را تصویب نماید. کراهت از هر طرف باشد حکم تربص جاری و حقوق مساوی است.

۲- بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل از اقتران اگر اراده طلاق نماید جایز است. ایام اضطبار لازم نه و لکن اخذ مهر از مرثه جایز نه.

۳- اگر زوجه بهایی نباشد زوج به حکم عقیده باید متمسک به حکم کتاب باشد.

۴- در هر حال چه اجرای طلاق به تقاضا و میل زوجه باشد یا نباشد در مدت اضطبار نفقه را باید زوج تأدیه نماید. (زنی که به واسطه ثبوت ارتکاب او به عمل مُنکَر طلاق داده شود در ایام تربص نفقه ندارد.) میزان نفقه بنظر محفل روحانی است.

۵- در صورتی که بین زن و شوهر در حین مسافرت اختلاف حاصل شود زوج باید مخارج یک سال کامل زوجه را بدهد و او را برگرداند.

۶- پس از تحقق طلاق در صورتی می‌توانند مجدداً رجوع نمایند که اجرای عقد و اعطای مهریه انجام گردد.

۷- اگر طرف غیر بهایی یا مطرود در مدت تربص از دواج نماید طرف بهایی مکلف بر اضطبار در سه تربص نیست.

۸- آنچه زینت آلات از طرف زوج برای زوجه تهیه شده متعلق به زوجه است و هدایای تقدیمی هم آنچه جنبه اختصاصی ندارد مثل ساعت مردانه و غیره که برای زوج تهیه شده بقیه متعلق به زوجه است به استثنای مواردی که بین طرفین قرارداد خاصی وجود داشته باشد که باید طبق آن رفتار شود.

۹- چنانچه زوجه بعد از دوره تربص احتیاج داشته باشد زوج وجداناً مکلف است لِّله او

رأ رعایت نماید و محفل در این خصوص باید وی را ارشاد نماید و تصمیمات متخذة محفل را تمکین کند.

۱۰ - قبول رضایت کلی و بلا شرط والدین در ازدواج فرزندان از طرف محافل روحانیه جایز.

۱۱ - مقصود از سنه اصطبار حدوث سازش و التیام است. اگر یکی از طرفین طرد روحانی شده باشد و ظاهراً آمیدی به رجوع او نباشد البته رعایت سنه اصطبار معنی و مفهومی نخواهد داشت. البته محفل روحانی باید در هر مورد جداگانه دقت و تفحص نماید و اتخاذ تصمیم کند.

۱۲ - تا زوج مسلمان ازدواج مجدد نکرده رعایت سنه تربص از طرف بهایی لازم و واجب است. چنانچه شوهر بهایی و زن مسلمان و عقد آنها قبل از ایمان به موجب قوانین اسلامی بوده، شوهر بهایی باید تاریخ تربص گذارد و اصطبار و پرداخت نفقه یک سنه را مراعات کند، در باره قطعی شدن طلاق غیر بهایی طبق قوانین مملکتی باید با محفل روحانی مشورت شود.

۱۳ - در مدت اصطبار بین زوج و زوجه مسافرت آنها به شهر یا مملکت دیگر منع نشده است.

۱۴ - عارض شدن امراض جسمانی یا عقلانی فی حد ذاته علت طلاق محسوب نمی گردد.

۱۵ - طرفین بهایی که اقرارنامه رسمی تنظیم ننموده و ازدواجشان در شناسنامه ثبت نباشد باید در انقضاء مدت تربص که طلاق قطعی می شود به خط خود شرحی در سه نسخه حاکی از وقوع طلاق و قطع رابطه زوجیت و تسویه امور مالی امضاء و به محفل تسلیم دارند. در صورتی که یکی از زوجین بهایی نباشد ناچار باید پس از خاتمه تربص و قطعی شدن جدایی طرفین به دادگاه صالحه جهت اخذ گواهی عدم سازش و اجراء تشریفات طلاق مراجعه نمایند و در هر حال باید با مشورت محفل روحانی عمل نمایند.

۱۶ - چنانچه یکی از طرفین زوج یا زوجه در مدت تربص وفات یابد ازدواج طرف دیگر

قبل از انقضای سنه واحده بلامانع (صفحه ۱۸۱ دستخطهای بیت العدل اعظم)

۱۷ - اگر زوج یا زوجه فوت شود مادام که قانون مخصوص از طرف بیت العدل وضع نگشته یاران مختارند. موضوع مکث نه ماه تعلق به غایت دارد نه زوج حاضر. (صفحه ۲۱۸ دستخطهای بیت العدل اعظم)

۱۸ - تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۹۲ - در جواب سؤال یاران ایران

چنانکه جدایی زوج و زوجه به نیت طلاق بوده باشد در صورتی که قرار بر طلاق شد مراجع امری می توانند مبداء ترتیب را از تاریخی بگذارند که زوج و زوجه به منظور طلاق از یکدیگر جدا شده اند.

۱۹ - ۱۱ جولای ۱۹۹۳ - در جواب سؤال یاران ایران

بیت العدل اعظم تفصیل احکام طلاق را هنوز تشریح نفرموده اند و این امر موکول به آینده است. اما در جواب سؤالات مشابه معهد اعلی چنین مرقوم داشته اند که وجوب تدارک نفقه در سال ترتیب از طرف زوج به زوجه معنایش این نیست که بعد از سنه ترتیب ادامه مساعدت مالی به زوجه مطلقه ممنوع باشد و در آینده تشریح این موارد صورت خواهد گرفت.

چنانچه به علت اختلاف خانوادگی زندگی آنان منجر به جدایی گردد آیا اموالی که در طی مدت زندگی مشترک اندوخته شده به زوجه هم تعلق می گیرد؟ در صورتی که تعلق می گیرد تقسیم اموال به چه نسبتی خواهد بود مرقوم می گردد که در حال حاضر بر محافل روحانیه است که عادلانه ترتیباتی را در نظر بگیرند و طرفین دوستانه به طیب خاطر تمکین نمایند ...

۲۰ - ۱۵ دسامبر ۱۹۹۱

... اگر چه تحقق زفاف معمولاً به مفهوم برقراری رابطه جنسی بین طرفین است و به موجب احکام بهایی مقتضی چنان است که در ظرف بیست و چهار ساعت پس از عقد نکاح تحقق یابد. اما چنانچه در این فاصله زوجین زندگانی مشترک خود را به نیت تأسیس عائله آغاز نمایند اجرای حکم زفاف انجام شده تلقی می گردد ...

در جواب مکتوب... و سؤال آن محفل که آیا زوج و زوجه می‌توانند در دوره تربص در شهر یا مملکتی دور از یکدیگر زندگی نمایند، مرقوم می‌داریم که طرفین وجداناً مکلفند که بکشند تا مقصود حکم کتاب از قرار تربص حتی الامکان تحقق یابد. یعنی چون طلاق عندالله مبفوض است، مدت معینه اصطبار را وسیله‌ای برای تجدید ائتلاف دانند ولیکن در نصوص الهیه منعی در باره مسافرت یکی از طرفین در دوره اصطبار زیارت نگردیده لهذا بلامانع است.

۲۲ - دستخط ۶ شهر الشرف ۱۲۹ بدیع خطاب به محفل ملی ایران زمانی که اعلام کرده‌اند آرایبی که در مورد تربص صادر می‌شود قابل استیناف نیست
«بنظر این هیأت چون تصویب تاریخ تربص از وظایف محافل محلیه است بیان مبارک متوجه اعضای محافل ملی شده ولی چون جمیع تصمیمات محافل محلیه قابل استیناف است استثنایی که در مورد ثبت تاریخ تربص معینی فرموده‌اند جایز نیست و باید به نحوی که مقتضی می‌دانند عبارت تصمیم خود را که در اخبار امری درج شده تعدیل و اصلاح نمایند.»

۲۳ - معهد اعلیٰ ۱۶ مارچ ۱۹۶۵
چنانچه یکی از طرفین زوج یا زوجه در مدت تربص وفات یابد، ازدواج طرف دیگر قبل از انقضاء سنه واحده بلامانع.

۲۴ - معهد اعلیٰ ۱۶ ژوئن ۱۹۹۶
... اگر طرف غیربهایبی یا مطرود در مدت تربص ازدواج نماید، طرف بهایی مکلف به اصطبار در سنه تربص نیست.